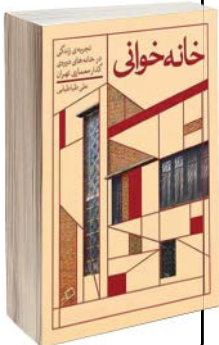


خانه خوانی

کتاب «خانه خوانی» به دنبال بازنمایی روایی تجربه زیسته در خانه است؛ تجربه‌ای روزمره که همزمان به عمیق‌ترین لایه‌های درون ما پیوند دارد. این کتاب با توصیف خاطرات و تداعی‌های مختلف فضاهای خانه، خواننده را به باززیستن این تجربه دعوت می‌کند. نویسنده، ازطریق گفت‌وگو باتعدادی از ساکنان خانه‌های برهه‌گذار معماری تهران و نقل تجربه زندگی در فضای خانه و مفهوم «درخانه‌بودن» برای آنها، می‌کوشد معنای زنده نهفته در این خانه‌ها را کشف کند و راهی تازه برای گفت‌وگو درباره کیفیت خانه بشکاید. خانه، با ما و در ما زندگی می‌کند، بزرگ می‌شود، به بلوغ می‌رسد و از پا می‌افتد، و در این همزیستی از اندیشه، احساس و باورهای ساکنانش شکل می‌گیرد و به رویدادهای زندگی شکل می‌دهد. با فهم تعامل خانه و تجربه‌های زیسته ساکنانش، می‌توان بده‌بستان معمار و ساکنان خانه را هدمند کرد و جایی متناسب با نیازهای واقعی انسان به نقشه درآورد تا خاطرها و مکان بهتر با هم پیوند بخورند. از سوی دیگر، فهم معنای فضاهای خانه کمک می‌کند تا جنبه‌ای از وجود خود را بشناسیم که کمتر به آن پرداخته شده است؛ رابطه معانی درونی‌مان با مکان‌ها که گاستون باشالار، متفکر پدیدارشناسی، آن را «مکان‌کاوی» می‌نامد. از این رو، مخاطبان این کتاب نه‌فقط معماران بلکه تمام کسانی‌اند که روزی در جایی خانه خواهند شد.



خاموشی صدای خاطره

کارلو پنومی درگذشت. شاید کمتر کسی باشد که او را به نام به خاطر آورد اما باید بدانیم این هنرمند و صدایشه‌ایتالیایی، پیوندی ناگسستنی با نوستالژی کودکی چند نسل از جامعه ایرانی‌اند. حداقل کودکان سه دهه پیش، از او خاطرات شیرین و آشنایی دارند چراکه او صدایشه دو انیمیشن محبوب آن سال‌ها یعنی آقای خط و پینگوست؛ انیمیشن‌هایی که اغراق نیست بگوییم بخش قابل‌توجهی از موفقیت‌شان مدیون صدای این صدایشه بود.



نگاهی به برخی آمارهای جوانان ایرانی به مناسبت روز جهانی جوانان

روزی روزگاری جوانی

چقدر جوان داریم؟

تازه‌ترین آمارها از تعداد جوانان در جهان مربوط به داده‌های دو سال پیش سازمان ملل متحد است که حکایت از این دارد ۲۳درصد جمعیت ۷/۵ میلیاردی جهان را جوانان تشکیل می‌دهند. کشورهای اروپایی هم آمارهای تفکیک‌شده‌ای دارند، به عنوان مثال در اروپا، فرانسه در رتبه اول جوان‌ترین کشورها قرار دارد و بعد از آن ایتالیا و اسپانیا قرار دارند. اما روند تعداد جوانان ایران حداقل طی یک دهه گذشته کاهش معناداری داشته است.

به گواه داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۹۰ جمعیت کشور ۷۵ میلیون نفر بوده که ۲۳ میلیون آن را جوانان تشکیل می‌دادند، حالا اما در حالی جمعیت ایران به مرز ۸۵ میلیون نفر رسیده که سهم جوانان از این تعداد جمعیتی، فقط ۱۷ میلیون نفر است.

ایستگاه انتظار ازدواج

از مهم‌ترین اتفاقات در جوانی هر فردی، ازدواج و تشکیل خانواده است. از این منظر دوره جوانی می‌تواند تاثیرات بسیاری در هرم جمعیتی هر کشوری ایجاد کند. هر چند همان‌طور که گفته شد، تعاریف متفاوتی درباره بازه زمانی جوانی در آمارها به چشم می‌خورد اما با این حال هم جمعیت جوانان مجرد ایران قابل توجه است. به این معنا که اگر جمعیت پسران ۲۰ تا ۳۹ ساله و جمعیت دختران ۱۵ تا ۳۴ ساله ازدواج نکرده را در نظر بگیریم، جمعیت پسران ۲۰ تا ۳۹ ساله مجرد حدود پنج میلیون و ۷۰۰ هزار نفر و جمعیت دختران ۱۵ تا ۳۴ ساله مجرد حدود سه میلیون نفر است اما آمار جالب توجه در این رابطه را سرپرست موسسه تحقیقات جمعیت کشور همین چند هفته پیش اعلام کرد و گفت ۸۸ درصد مجردان جوان تمایل به ازدواج دارند.

پرسه

فرا تر از یک پرتاب

با قرار گرفتن ماهواره خیاَم در مدار ۵۰۰کیلومتری زمین جریان رسانه‌ای غربی‌را و معاند مطابق انتظار شروع به تخریب همکاری ایران و روسیه کردند. هرچند دیروز رئیس سازمان فضایی ایران در نشستِ اعلام کرد، این ماهواره بر اساس پارامترهای تعیین شده و نظارت ایران به مرحله ساخت رسیده و در ایران نیز ما برای دریافت داده‌های این ماهواره علاوه بر تجهیز ایستگاه‌های فضایی موجود به تهیه ایستگاه‌های سیار نیز در اقصی نقاط کشور اقدام کرده‌ایم. این ماهواره قادر است بخش‌های زیادی از نیازهای کشور را به لحاظ داده‌های سنجشی تأمین کند. برای آن‌که یک ماهواره سنجشی در مدار قرار گیرد ابتدا باید سفارش‌گیری انجام می‌شود.



چرا چنارهای تهران در فصل سبز تابستان زرد شده‌اند؟

تابستان خزان زده!

سپیدی برف به یاد می‌آوردیم، اکنون با پدیده‌های وارونگی و آلودگی هوا می‌شناسیم. موج سرمای غیرطبیعی در زمستان، اوج گرمای بی‌سابقه تابستان و خشکی هوای پاییز را طبیعت به‌سختی آشکار می‌شود. امسال همچون چند سال گذشته، چنارهای تهران و برخی دیگر از شهرهای این سرزمین خزان زده شده‌اند. اتفاقی که پیش‌فرض ما را نسبت به فصل تابستان به هم زده است. پاییز را به برگ‌ریزان درخت‌هایش می‌شناسیم، به صدای خش خش برگ‌های افتاده زیر پا، به آمادگی طبیعت برای پوست‌اندازی، به هوای دلخوش مطبوع و باران‌های ریزش‌رشد اما آنچه همیشه نشانه‌های فصل‌ها بوده، دارد آرام‌آرام تغییر می‌کند.

تغییرات اقلیمی، دست‌اندازی‌های انسانی، مداخلات بی‌رویه و استفاده از منابع پایه، تمام آن کلیشه‌های ذهنی ثابت ما را نسبت به تعریف فصل‌ها از میان برده است. گرما، طول فصل‌ها را تغییر داده. دیگر درازی تابستان به همان اندازه‌ای نیست که ۴۰ سال پیش بود، تابستان‌ها طولانی‌تر شده و از عمر زمستان و سرما کاسته شده است. اگر باران‌های بهاری به تندی و تیزی شهره بودند، حالا بهارهای بی‌باران رایج شده و اگر زمستان را با

افزایش یکباره دمای هوا را بسیاری از کارشناسان عاملی برای خشکی و ریزش زود هنگام برگ درختان می‌دانند. خزان زدگی درخت‌های تهران شامل همه گونه‌های موجود در پایتخت نمی‌شود و چنارها بیشتر از همه به این افزایش دما واکنش نشان داده‌اند اما چه کسی است که نداند چنارها به نوعی نمادی از تهران هستند و این وضعیت به نابودی یکی از اصیل‌ترین نمادهای شهری پایتخت خواهد انجامید. خزان زودرس درختان در تهران، اتفاقی طبیعی نیست، این ماجرا با مقایسه شرایط درختان کاشیه‌تهران و مکان‌هایی همچون باغ‌ملی گیاه‌شناسی نیز مشخص می‌شود، چرا که در این مناطق، حال درختان خوب است.

او به جام جم می‌گوید: «درختی که در معرض آلودگی هوا قرار دارد و با پساب‌های آلوده آبیاری می‌شود یا درختانی که دورشان را سیمان کرده‌ایم یا آن دسته که با نورافشانی شبانه روبه‌رو هستند به خزان زودرس دچار می‌شوند.» همه اینها در حالی است که نباید فراموش کنیم در کلانشهرهایی مانند تهران درختان با پدیده جزیره گرمایی هم مواجه هستند، به این مفهوم که حرارت ناشی از خودروها در تهران، گرمای بیشتری به درختان تحمیل می‌کند.

حکمت

امام سجاد (ع):

(خداوند) مرا چنان غمناک و اندیشناک مگردان که بر فریضه‌هایت مواظبت نکنم و سنت‌هایت را به کار نیندم
صحیفه سجادیه

نگته روز

نوحه‌ای که سمفونی جهانی شد

چگونه یک نوحه، مشهورترین اثر عاشورایی موسیقی دنیا شد؟

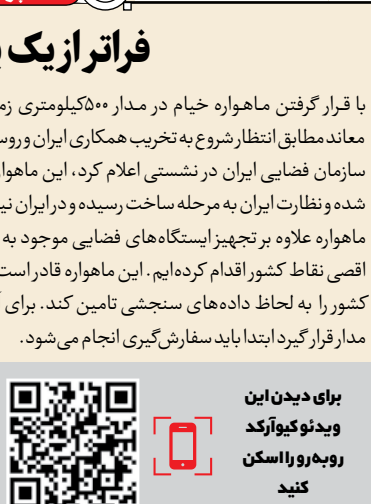
در کارنامه پرپار هنری علی رهبری قطعه‌ای به چشم می‌خورد به نام «نوحه‌خوان»، اثری که این موسیقیدان مشهور ایرانی آن را در ۲۲ سالگی ساخت و حالا مشهورترین اثر عاشورایی در موسیقی کلاسیک جهان است. او به‌تازگی از چگونگی الهام از یک نوحه قدیمی و تبدیل آن به اثری در استاندارد جهانی سخن گفته که شنیدنی است. این‌که چگونه یک نوحه سمفونی‌ای جهانی شد، خودش می‌گوید: «چون پدرم با لاجبار باید در بیمارستان فیروزآبادی پزشک‌یار می‌بود، خیلی اوقات من را با خود به بیمارستان می‌برد و پیشش می‌ماندم. یادم می‌آید حدوداً شش‌ساله بودم و موسیقی را هم به شکلی شروع کرده بودم. حوصله زیاد ماندن در محیط داخل بیمارستان را نداشتم بنابراین یا در باغ بیمارستان بازی می‌کردم یا به حرم شاه‌عبدالعظیم حسنی می‌رفتم. برای من بهترین جای دنیا آنجا بود. همه‌جا تمیز بود، سنگ مرمر و آینه‌ها و کلی چیزهایی که در آنجا دوست داشتم و هنوز هم دوست دارم. آنجا پام را می‌کشیدم و یک تا دو ساعت می‌ماندم مردم می‌آمدند و می‌رفتند و همیشه بوی عطری دل‌انگیز از حرم به مشامم می‌رسید، در بازار هم همیشه خبری بود که یک نوحه‌خوانی یک چیزی می‌خواند. به همین دلیل اسم «نوحه‌خوان» در ذهن من مانده بود. بنابراین در مراسم روضه‌خوانی‌های همسایه‌ها یا مسجد نزدیک آنجا، اگر می‌دانستم روضه‌خوان یا نوحه‌خوان خیلی خوبی می‌آید که بخواند، حتما می‌رفتم. یادم می‌آید زمانی که تاسوعا و عاشورا می‌شد، رتیم‌های عاشورا خیلی روی من اثر می‌گذاشت، حتی زمانی که بزرگ‌تر بودم یعنی ۱۳- ۱۲ سالگی. در روز تاسوعا و بعد در شام‌غریبان، همه‌اش ملودی، الحان و آهنگ‌هایی بسیار غمگین و گیرا می‌شنیدم و ظهر روز عاشورا اثر عجیبی روی من می‌گذاشت. بعد که سنم بالاتر رفت، بیشتر علاقه‌مند شدم تا اثری بر اساس همین حال‌وهوا بنویسم ولی هیچ‌وقت جراتش را نداشتم که این کار انجام دهم. سنم که بالاتر رفت به این انگیزه و علاقه وافر رسیدم که اثری با عنوان «نوحه‌خوان» بنویسم. می‌خواستم اثری برای سولو یعنی تک‌ساز بنویسم و اینجا سولیست یعنی نوحه‌خوان. این ایده در ذهن من ماند و یک سری چیزها را نیز یادداشت کردم. تمام رتیم‌های نوحه‌خوانی و ملودی‌ها را یادداشت کردم. وقتی

در ۲۰ سالگی در وین پایتخت اتریش اتریش آقای گوئفرید آیینم به من گفت تو خیلی بااستعداد هستی در این سبکی که درپیش گرفته‌ای، یک قطعه بزرگ بنویس! من به او گفتم دوست دارم بزرگ‌ترین قطعه مذهبی ایرانی را بنویسم به نام «نوحه‌خوان» و بعد داستان عاشورا را تا ماجرای ظهران روز برایش مفصل تعریف کردم. او گفت چرا تا ظهر عاشورا؟ گفتم برای این‌که من همیشه این مراسم راتا ظهر عاشورا که به او جشن می‌رسید و خیلی‌ها جشن می‌کردند و رتیم موسیقایی‌اش به حدی بالا می‌رفت که هیجان و غمی سترگ در خود داشت، دنبال می‌کردم. دوست داشتم یک اثر بر اساس این حال‌وهوا بنویسم و خوشبختانه معلم من را خیلی تشویق کرد و من این قطعه را برای دیپلیم نوشتم. آقای فون آیینم نیز به هیات بزرگ زوری وین سفارش کرد برای این کار به من درجه «اکسلنت» (عالی) بدهند که معمولاً این نمره را به پیانیست‌ها، سولیت‌ها و ویولنیست‌ها می‌دادند.



سریال فرار مالیاتی پزشکان

قصه فرارهای مالیاتی توسط صنوف مختلف هر روز دارد ابعاد تازه‌تری پیدامی‌کند. به‌تازگی اعلام شد ۶۳درصد موکلان همچنان مالیات نمی‌پردازند و البته هنوز هم پزشکان از جمله مشاغلی هستند که اصرار در نپرداختن مالیات دارند. شیوه‌های آنها اما تغییر کرده؛ از زیر بار نرفتن نصب کارتخوان گرفته تا اجبار احتمالی مراجعان برای پرداخت هزینه درمان با سکه طلا! هر چند همچنان باید این نکته را مدنظر قرار داد که فراریان مالیات در مشاغل پزشکان در اقلیت قرار دارند و هنوز هم که هنوز است تعداد زیادی از آنها مالیات خود را می‌پردازند.



پیشنهاد روز

سنی متفاوتی را دربرمی‌گیرد. به این معنا که در هر گوشه‌ای از جهان جوانان را با سن و سال‌های مختلفی می‌شناسند. در کشورهای توسعه یافته، بازه سنی ۱۸ تا ۴۰ سالگی در کشورهای در حال توسعه ۱۸ تا ۳۵ سالگی و در کشورهای کمتر توسعه یافته ۱۸ تا ۳۰ سالگی را دوره جوانی می‌نامند. در ایران هم شورای عالی جوانان بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال را برای تعریف جوان تصویب کرده است.

فردا در تقویم جهانی به نام روز جوانان سند خورده است. تعریف‌های متفاوتی از این دوره شگفت زندگی وجود دارد که در کلام شاعران همواره با حسرت عنوان شده و در نگاه دیگران دوران خوشی تصویر شده است. تعریف رسمی این دوره اما زمانه‌ای میان کودکی و بزرگسالی است. این تعریف بیشتر مربوط به کارشناسان حوزه روان‌شناسی است، هرچند همین تعریف هم در کشورهای مختلف بازه‌های

نه درس، نه کار، نه شغل

داده‌های تفکیک شده دیگری هم درباره جوانان ایرانی وجود دارد، داده‌هایی که چندی پیش توسط اداره سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت منتشر شد و نشان می‌دهد به عنوان مثال شایع‌ترین علت مرگ جوانان ایران هم مانند سایر گروه‌های سنی، سوانح و حوادث است که بخش بیشتر آن مربوط به حوادث ترافیکی است. شاخص‌های متفاوت آماری نهادهای مختلف ایران هم گاهی داده‌های عجیبی از جوانان ایران استخراج می‌کند، یکی از آنها مربوط به آمار چند هفته پیش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۹ از ۵/۱۰ میلیون جوان ۱۵ تا ۲۴ سال، ۸/۱ میلیون نفر آنان نه‌درحال تحصیلند، نه مشغول مهارت‌آموزی و نه شاغل. معنایش این است که این تعداد قابل توجه به نوعی غلاف هستند. نکته این‌که اگر این آمار رسمی را مستند بدانیم، ایران به رتبه اول جهان در این شاخص رسیده است.

بیکاری؛ اسم رمز جوانی

هر چند جوانی هم‌معنا با دوره طراوت و شادمانی است اما در پیش‌روی جوانان چالش‌های بسیاری هم وجود دارد. از مهم‌ترین این چالش‌ها برای جوانان ایرانی مسأله اشتغال است. مستندترین آمارها در رابطه با بیکاری جوانان ایرانی هم مربوط به داده‌های مرکز آمار ایران در پایان سال گذشته است. بررسی این آمارها نشان می‌دهد طی این سال از دو میلیون و ۲۲۴ هزار و ۹۵۲ نفر بیکار، سهم جوانان (۱۵ تا ۲۴ سال) ۲۳/۷ درصد بوده که نسبت به سال قبل‌تر از آن یعنی ۹۹ ثابت مانده است. به عبارتی در سال گذشته ۵۵۷ هزار و ۷۹۲ نفر جوان بیکار بوده‌اند. در میان این آمارها اما درصد تعداد جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی بیکار معنادارتر است به این معنا که بررسی سهم «جمعیت بیکار تحصیل‌کرده از مجموع جمعیت بیکار کشور» نشان می‌دهد در بهار امسال ۴۰/۳ درصد بیکاران کشور را فارغ‌التحصیل دانشگاهی تشکیل می‌دهند و حالا نزدیک به یک میلیون جوان فارغ‌التحصیل بیکار در کشور داریم.